

از گذشته‌ای نه چندان دور
خاطرات سردبیر سابق روزنامه کیهان

سید حسن عدل

به کوشش فرشید ابراهیمی

با مقدمه‌ای از منصوره اتحادیه (نظام مافی)

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	عدل، سیدحسین، ۱۳۱۳-
عنوان و نام پدیدآور	از گذشته‌ای نه چندان دور خاطرات سردبیر سابق روزنامه کیهان/ سیدحسین عدل؛ به کوشش فرشید ابراهیمی؛ با مقدمه‌ای از منصوره اتحادیه (نظام مافی).
مشخصات نشر	تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	۱۵ص: مصور، نمونه: ۵/۱۴×۵/۲۱ س م
شابک	۹۷۸-۶۰-۸۶۸۷-۶۷-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	عدل، سیدحسین، ۱۳۱۳- --- خاطرات
موضوع	روزنامه‌نگاران ایرانی --- خاطرات
موضوع	Journalists -- Iran -- Diaries
موضوع	ایران --- تاریخ --- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷
شناسه افزوده	ابراهیمی، فرشید، ۱۳۶۱-، گردآورنده اتحادیه، منصوره (نظام مافی)، ۱۳۱۲-، مقدمه‌نویس
زده بندی کنگره	۵۴۴۹PN
زده بندی دیویی	۵۵۰۹۲/۰۷۹
شماره کتابشناسی ملی	۸۴۲۴۵۵
ملاحظات رکورد کتابشناسی	فیبا



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)
تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

از گذشته‌ای نه چندان دور

خاطرات سردبیر سابق روزنامه کیهان

سیدحسین عدل

به کوشش فرشید ابراهیمی

با مقدمه‌ای از منصوره اتحادیه (نظام مافی)

حروفچینی، صفحه‌آرایی و نظارت: نشر تاریخ ایران

طرح جلد: جمال سرور چاپ و صحافی: چاپ روز

تیراژ: ۱۰۰۰

چاپ اول: ۱۴۰۰

قیمت: ۱۴۰۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

Website: nashretarikheiran.com
instagram.com/nashretarikheiran
Telegram channel: @nashretaarikh
email: nashretarikheiran@gmail.com

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	روزنامه دوران کودکی
۸	از گذشته نه چندان دور
۲۱	مقدمه نویسنده
۲۳	خاندان عدل
۲۶	من کیستم؟
۲۹	من روزنامه‌نگارم!
۳۰	سراب روزنامه‌نگاری
۳۵	فصل اول
۳۵	دردسر روزنامه‌نگاری
۳۸	سال‌های تنهایی
۴۰	طعم تلخ شکست
۴۱	پاسخ شیرین صادق هدایت
۴۳	کیهان مرا پذیرفت
۴۵	مصباح‌زاده که بود؟
۴۷	تأسیس روزنامه کیهان
۴۸	سرگیری کیهان
۴۹	تولد "زن روز"
۵۰	زلزله تهران در سال ۱۳۴۱: مقابله با یک خبر رادیویی
۵۱	مقالات دینی و میهنی
۵۳	مخالفت هویدا
۵۳	پرونده سوء سابقه

۵۴	از سردبیری تا مدیریت
۵۵	آموزش مدیر تا نظافتچی
۵۶	رفاه کارمندان
۵۷	مشارکت با آمریکایی‌ها و شیخ‌نشین‌ها
۵۸	دو خاطره از خیامی
۵۹	سؤال علم
۶۰	خیامی‌ها که بودند
۶۰	سفر ناگهانی به خارج
۶۱	انصاری: شاه رفتنی است
۶۶	به این وزیر بگوئید!
۶۸	رفتار عجیب فرامرزی
۶۹	کیهان «خر تو خر» است!
۷۰	کمک احمد آقا قهرمانی
۷۳	جواد از لرد تامپسون خوشبخت‌تر است
۷۵	حاج عباس قصاب قیمت را شکست
۷۷	نامه‌های تختی قبل از خودکشی
۷۸	تختی چه گفت؟
۷۹	تختی چه شد؟
۸۰	اعلام جرم
۸۱	مصادره کیهان و اطلاعات
۸۴	تولد جراید فرمایشی
۸۵	عذرخواهی مسعودی
۸۶	کیهانی‌ها پول شام نداشتند
۸۷	گران شدن کیهان و اطلاعات

۸۸	خزائلی: بدان تا بتوانی
۸۹	دوست من محرمعلی خان سانسورچی
۹۲	بالاخره رحمان هاتفی را نشناختم
۹۶	رئیس شهربانی میلیونر است؟
۹۹	پاکروان: برای من دیر شده است
۱۰۱	فصل دوم
۱۰۱	ناگفته‌های تاریخ
۱۰۳	توضیح مختصر
۱۰۵	شاه
۱۰۵	نقش عجیب ساواک
۱۰۶	نقش انحرافی ساواک و بلژار گیم لطفه
۱۰۷	چه کسی نامه را نوشت؟
۱۰۸	علل تأسیس ساواک
۱۰۹	اولین گزارش بیماری شاه
۱۰۹	افسردگی شاه
۱۱۰	نگرانی‌های غرب
۱۱۱	تلفن وزیر
۱۱۲	دعوت به کیهان
۱۱۴	چرا نخست‌وزیران؟
۱۱۷	سهیلی: با قرض زندگی می‌کنم
۱۲۰	قوام: من مرد سیاستم
۱۲۲	قوام السلطنه بار دیگر در صحنه
۱۲۳	سفر مسکو

روزنامه دوران کودکی

سیدحسین عدل از جوانی خاطرات روزانه‌اش را می‌نوشت و چند دفتر از سال‌های ۱۲۳۶، ۱۳۲۷، ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ این خاطرات را در اختیار ما گذاشت که از نظر شناخت او بسیار ارزشمند می‌باشد. گویا او بنا به پیشنهاد پدر این کار را آغاز کرد و پس از آنکه پدر را از دست داد، با تشویق برادر بزرگترش پرویز که حانی جان می‌نامیدش این کار را ادامه داد. روزنامه خاطرات عدل جوان ما را از یک سو با گذران یک شاگرد مدرسه، سپس نوجوانی پرشور و جوانی نام‌دار دوران محمدرضاشاه آشنا می‌کند و از سوی دیگر روزنه‌ای به ذهنیت وی را از زبان خودش برای ما باز می‌کند. عدل باهوش و ذکاوت با جهان پیرامونش روبرو می‌گردد. تلخ و شیرین روزگار را می‌چشد و زندگی را تجربه می‌کند. از همان بچگی قانع و پرشور است و از زندگی لذت می‌برد. همیشه شاکر و معتقد به خداوند و موهبت الهی است.

آنچه او از گذشته پرافتخار ایران از خانواده یا از درس و مدرسه‌اش می‌نویسد، شاید تا حدی کلیشه‌ای باشد، که البته تحت تأثیر شیوه پرورش جوانان در این زمان بود که در مدارس تدریس می‌شد. با این حال در زمانی که درباره سیاست و وقایع دنیا می‌نویسد، گویا اندیشه‌ای با درایت، کنجکاو و مبتکر دارد. از تابه‌لای نوشته‌هایش، می‌توان چنین استنباط کرد که پسر بچه‌ای شیطان و خودسر نیست، شاید مرگ پدربزرگ او را پیش از مرغد بالغ و پخته کرده بود. او در صفحه اول؛ جلد نخست خاطراتش این مصرع سعدی را یادداشت کرده است:

مرا باشد از درد طفلان خبر

که در خردی از سر برفتم پدر

عدل برخلاف پسران جوان این دوران ظاهراً چندان تمایلی به ورزش‌های پرنشاطی همچون فوتبال نداشت، فقط آرزوی داشتن دوچرخه را در سر می‌پروراند که در چند جای خاطراتش از آن یاد می‌کند. او هنوز سرگرم بازی با اسباب‌بازی بود که به سیاست علاقمند می‌شود و آنچه بیش از حد روزنامه خاطراتش را جالب توجه می‌کند، کششی است که او نسبت به روزنامه‌نگاری، نویسندگی و سیاست دارد، گویی روزنامه‌نگار به دنیا آمده است. او در یکی از یادداشت‌هایش در ۱۳ سالگی به کابینه حکیمی که تازه تشکیل شده بود،